

## نورالانوار در شعر دکتر سید امیر محمود انوار

احسان پوراسماعیل<sup>۱</sup>

### چکیده

«قصیده فاطمیّه» در کتاب *انوار عشق* در مدح حضرت فاطمه (سلام الله علیها) سروده شده است که در آن بعد از بزرگداشت مقام مادر، استاد دکتر سید امیر محمود انوار به تبیین جایگاه حضرت زهرا (سلام الله علیها) پرداخته است. نورالانوار بودن این بانو، کفویت انحصاری او در ازدواج با امیرالمومنین (علیه السلام) که مورد استناد شیعه و اهل تسنن است، جایگاه ایشان در آیتی از آیات قرآن، و معرفی امامان اهل بیت (علیهم السلام) از نسل ایشان از نکاتی است که نظر استاد را در این سروده به خود جلب کرده است. وی همچنین عنایتی خاص به امام عصر (عیه السلام) داشته است و این که مصلح جهان دوازدهمین فرزند اوست را نتیجه تأثیر حضرت زهرا (سلام الله علیها) در خلقت ترسیم می‌کند. یافتن شواهد مختلف فضائل برترین بانو بر اساس سروده استاد انوار در منابع مختلف شیعه و اهل تسنن، خود گویای برتری ایشان نسبت به سایر مخلوقات است.

کلیدواژه ها: حضرت فاطمه (سلام الله علیها)، حدیث، شعر، قصیده فاطمیّه، امیر محمود انوار

شعر به عنوان پدیده‌ای فرهنگی در میان هر ملتی قابل پیگیری است. شعر متعهد و هدفدار، واقعیت را آن چنان که هست ترسیم می‌کند. در مقابل شعر مبتذل و بی هدف، تزویر رابه شعر تحمیل می‌کند. شعر متعهد می‌تواند از زخم خدنگ، کاری تر باشد و بهشت را به شاعر هدیه کند. از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) نقل است که فرمود: «یا کنانی! بؤاک الله بکل بیت قلته بیتاً فی الجنّه» (طوسی، ۷۶ و مجلسی، ۳/۱۸ و ۳۳۳/۸۸) یعنی: ای کنانی! برای هر بیت شعری که گفته‌ای، خداوند خانه‌ای در بهشت برایت ارزانی کند.

در نقل دیگری از پیامبر (صلی الله علیه و آله) وقتی از ایشان در خصوص شاعران پرسش می‌شود، آنها را مؤمن مجاهدی توصیف می‌کند که با شمشیر و زبان جهاد می‌کند.<sup>۱</sup> (حویزی، ۷۰/۴) همراهی روح القدس (همو، ۷۱/۴) و یاری او تا زمانی که شعر شاعر یارای اعتلای فرهنگ اهل بیت (علیهم السلام) باشد (حرانی، ۳۸۳ و مفید، الارشاد، ۱/۱۷۷) از دیگر شاخصه‌های شاعر متعهد است. از امام رضا (علیه السلام) منقول است که فرمود: «ما قال فینا مؤمن شعراً یمدحنا به إلّا بنی الله تعالی له مدینه فی الجنّه أوسع من الدنیا سبع مرّات یزوره فیها کلّ ملک مقرب و کلّ نبی مرسل» (صدوق، ۷/۱) یعنی: هیچ شاعر مؤمنی در حق ما شعری نگوید که ما را با آن مدح کند مگر این که خداوند برایش در بهشت، جایگاهی سازد که هفت مرتبه از دنیا فراختر باشد و تمام فرشتگان مقرب و پیامبران مرسل در آن جایگاه زیارت‌اش کنند.

سید امیر محمود انوار، از جمله شاعران معاصری است که در رثای نیاکان پاکش اشعار فراوانی سروده است. وی در ۲۵ آبان ۱۳۲۴ در خانواده‌ای از سادات موسوی در تهران دیده به جهان گشود و در روز ۱۳ آذر ۱۳۹۱ پس از تحمل چند ماه بیماری دعوت حق را لبیک گفت.

یکی از اشعار وی، «قصیده فاطمیّه» نام دارد که به تعبیر استاد، در کتاب *انوار عشقی* «در مدح جوهره قدسیه صدیقه کبری فاطمه الزهراء، فرخنده مادر امامان هدی و بزرگداشت روز مادر آن ستوده خدا» سروده شده است؛ (نک: انوار، ۲۹-۳۲) در این مقاله به شرح و تبیین این سروده می‌پردازیم.

این قصیده در بیست و سه بیت سروده شده است و در آن نام چهارده معصوم آمده است و استاد بعد از توصیف جایگاه مادر در شش بیت به معرفی امام امامان که بیشترین تأثیر را در خلقت دارد، می‌پردازد. اهمیت برتری و افضلیت حضرت زهرا (سلام الله علیها) در روزگار پیامبر (صلی الله علیه و آله) توسط ایشان به خوبی تبیین شده است؛ چه این که طرح چنین موضوعی برای تشخیص مسیر حق برای مسلمانان بعد از حیات پیامبر (صلی الله علیه و آله) بسیار مهم است. (نک: پوراسماعیل، تخصیص عمومیت واژه «العالمین»، ص ۴۵)

<sup>۱</sup> «قال: یا رسول الله ماذا تقول فی الشعراء؟ قال: ان المؤمن مجاهد بسیفه و لسانه، و الذی نفسی بیده لکانما ینضحونهم بالنیل.»

## توصیف مادر

استاد انوار از مادر به عنوان ستوده خدا یاد می کند و می گوید:

- ۱- مادر ای در صفا چون آفتاب خاوری  
فر یزدان مهر ایزد بر سریر مادری
- ۲- جنت لطف خدا در زیر پایت بر قرار  
میکنی با مهربانی طفل خود را یاوری

در مصرع نخست، دو تشبیه درباره مادر آمده است و وی در ابتدا به مرواریدی از صفا که عبارت از پاکی، بی غشی و زنده دلی است، توصیف شده است و در آخر مانند خورشیدی که روشنای شرق و غرب عالم است. شخصیتی که شکوه و رأفت پروردگار بر اریکه و تخت جایگاهش سایه افکنده است. در تعبیر «مهر ایزد» و «فر یزدان» از واژگان ایران باستان برای خطاب دادن خداوند استفاده شده است که «مهر ایزد» اشاره به آیین زرتشتیان و جشن های مخصوصشان به ویژه در پاییز دارد؛ شکوه و مهر مادری آن قدر جلوه گر است که مانند آفتاب در جشن مهرگان اوستاییان می درخشد.

در بیت دوم، اشاره شاعر به حدیث مشهور بهشت زیر پای مادران است که روایات «الجنة تحت اقدام الأمهات» (نوری، ۱۸۰/۱۵) و «تحت اقدام الأمهات روضه من ریاض الجنة» (همو، ۱۸۱/۱۵) اشاره به این مفهوم دارد.

احسان والدین به عنوان عام چنان مهم است که حتی شرک آنان مانع احسان به آنان نیست، گرچه باید از عقاید مشرکانه آنان به دور بود. (نک: جوادی آملی، ۲۱۹) آیات قرآن گواه ما بر این ادعاست:

«وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ ثُمَّ تَوَلَّيْتُمْ إِلَّا قَلِيلًا مِّنْكُمْ وَأَنتُمْ مُّعْرِضُونَ» (البقره، ۸۳)

«وَاعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَبِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَالْجَارِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَالْجَارِ الْجُنُبِ وَالصَّاحِبِ بِالْجَنبِ وَابْنِ السَّبِيلِ وَمَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ مَن كَانَ مُخْتَالًا فَخُورًا» (النساء، ۳۶)

«قُلْ تَعَالَوْا أَتْلُ مَا حَرَّمَ رَبِّيَ عَلَيْكُمْ أَلَّا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ مِنْ إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُكُمْ وَإِيَّاهُمْ وَلَا تَقْرَبُوا الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَّنَ وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ ذَلِكُمْ وَصَّاكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ» (الانعام، ۱۵۱)

«وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا إِمَّا يَبْلُغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أَفْ وَلَا تَنْهَرُهُمَا وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا؛ وَأَخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذَّلْمِ مِنَ الرَّحْمَةِ وَقُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا» (الاسراء، ۲۳ و ۲۴)

« وَصَيَّنَا الْإِنْسَانَ بِالذِّهِّ إِحْسَانًا حَمَلَتْهُ أُمُّهُ كُرْهًا وَوَضَعَتْهُ كُرْهًا وَحَمَلُهُ وَفِصَالُهُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ أَشُدَّهُ وَبَلَغَ أَرْبَعِينَ سَنَةً قَالَ رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلَىٰ وَالِدَيَّ وَأَنْ أَعْمَلَ صَالِحًا تَرْضَاهُ وَأَصْلِحْ لِي فِي ذُرِّيَّتِي إِنِّي تُبْتُ إِلَيْكَ وَإِنِّي مِنَ الْمُسْلِمِينَ » (الاحقاف، ۱۵)

گشوده شدن درهای رحمت خداوند هنگامه نگاه فرزند به چهره والدین (نک: شعیری، ۱۰۱) بهره مندی از غرفه‌های بهشتی در صورت انفاق به والدین، مدارا با آن دو و اندوهگین نساختن آنان (نک: مفید، الامالی، ۱۶۷) بهره مندی از سایه عرش الهی در صورت نیکی به والدین (صدوق، الامالی، ۱۸۰) تنها بخشی از عنایت خداوند به واسطه احترام به پدر و مادری است که نشانه تشییع فرد توصیف شده است. (نک: کلینی، ۷۴/۲)

بین پدر و مادر که از جایگاه ویژه‌ای نزد خداوند برخوردارند، این مادر است که گوی سبقت در احترام فرزندان را به خود اختصاص داده است. از امام سجاد (علیه السلام) نقل است که فرمود: « وَاَمَّا حَقُّ اُمِّكَ فَاَنْ تَعْلَمَ اَنَّهَا حَمَلَتْكَ حَيْثُ لَا يَحْتَمِلُ اَحَدٌ اَحَدًا وَ اَعْطَتْكَ مِنْ ثَمَرَةِ قَلْبِهَا مَا لَا يَعْطِي اَحَدٌ اَحَدًا وَ وَتَكَ بِجَمِيعِ جَوَارِحِهَا وَ لَمْ تَبَالِ اَنْ تَجُوعَ وَ تَطْعَمَكَ وَ تَعْطَشَ وَ تَسْقِيكَ وَ تَعْرِى وَ تَكْسُوكَ وَ تَضْحَىٰ اَوْ تَطْلُكَ وَ تَهْجُرُ النَّوْمَ لِاجْلِكَ وَ وَتَكَ الْحَرَّ وَ الْبُرْدَ لِتَكُونَ لَهَا فَاَنَّاكَ لَا تَطْبِقُ شُكْرَهَا اِلَّا بِعَوْنِ اللّٰهِ تَعَالَىٰ وَ تَوْفِيقِهِ » (صدوق، الفقيه، ۶۲۱/۲) یعنی: «حق مادرت این است که بدانی او تو را به گونه‌ای حمل کرد که هیچ کس، دیگری را چنین حمل نمی‌کند و او را از ثمره قلب خود چیزی عطا کرد که هیچ کس به دیگری نمی‌دهد و تو را با همه اعضای بدن خود محافظت کرد و باکی نداشت که خود گرسنه باشد و به تو غذا دهد یا تشنه باشد و تو را سیراب کند، یا خودش عریان باشد و تو را بپوشاند، یا خود در آفتاب باشد و تو را در سایه قرار دهد و برای تو از خوابش بگذرد و تو را از سرما و گرما حفظ کرد تا برای او باشی. بدان که تو شکر او را نداری جز به یاری خداوند و توفیق او»

قطع نماز مستحبی در فقه فقط برای فراخوان مادر آمده است. (نک: نوری، ۱۸۱/۱۵) و حق مادر از نیکی، دو سوم و برای پدر یک سوم دستور داده شده است. (نک: صدوق؛ الامالی، ۵۱۱)

۳- تیر عشقت بر دل رندان عالم می‌زند آتشی جانسوز چون موسی به جان سامری

«تیر عشق» در بیت سوم. اضافه تشبیهی است؛ محبت مادر به قدری زیاد است که شاعر آن را به تیری تشبیه کرده که تا عمیق ترین نقطه وجود رندان هم نفوذ می‌کند و این تیر به قدری تاثیر گذار است که آن را به آتشی تشبیه می‌کند که موسی (علیه السلام) به جان سامری انداخت؛ در توضیح واژه «رند» یاد این نکته خالی از لطف نیست که آن از ساخته‌های اساطیری حافظ است و به معنای انسان و عارف کامل است.

در این بیت نیز شاعر با استفاده از قصص انبیاء و اشاره به بازگشت حضرت موسی(علیه السلام) از کوه طور و رسوا ساختن سامری در برابر مردمی که به او گرویده بودند، مطلب خود را تبیین کرده است.

درباره سامری باید دانست که او تبدیل به نمادی برای مخالفت در برابر حجت خدا در ادبیات تشیع تبدیل شده است، از این رو نه تنها درباره غاصبان جانشینی و خلافت پیامبر(صلی الله علیه و آله) (نک: سلیم بن قیس، ۸۷۷/۲) بلکه درباره غاصبان جایگاه علمی ایشان نیز به کار رفته است؛ به عنوان مثال درباره حسن بصری که از تابعین و سران صوفیه است، این اصطلاح به کار رفته است؛ وی در جنگ بصره از یاری امام علی(علیه السلام) و در جریان کربلا از یاری امام حسین(ع) سرباز زد. (نک: مفید، الفصول المختاره، ۶۶) امام علی(علیه السلام) از وی به عنوان سامری امت اسلام، نام برده است. (قزوینی، ۳۸۷/۱)

- |                                     |                                   |
|-------------------------------------|-----------------------------------|
| ۴- شیر مردان جهان در دام مهتر پایند | خم شده رزمندگان در حضرتت با چاکری |
| ۵- دامنت مهد دلیران جایگاه عارفان   | دادگر مرد از تو آموزد کتاب داوری  |
| ۶- دلبران رسم دل آراییی ز تو آموخته | شاعران را حسن رویت یاد داده شاعری |

شیر مردان جهان با همه قدرتشان در دام مهر مادر اسیر هستند و رزم پوشان آماده جنگ در مقابل بارگاه مقام مادری مثل چاکران سر تعظیم فرود می آورند. دامان مادر گهواره‌ای است که دلبران و صاحبان معرفت و بصیرت در آن پرورش پیدا می کنند و معلم کتاب عدالت برای مردان عادل، مادر است. دلبران رسم و رسوم دل آراییی را از مادر یاد گرفته اند و نیکویی چهره مادر به شاعران رسم زیبا سخن گفتن و تراوش شعر را آموخته است.

### مهتر بانوان

از این قسمت به بعد استاد انوار به میلاد مادری اشاره می کند که تمام مادران عالم باید از او رسم مادری بیاموزند:

- ۷- باز آمد روز جشن مادری فرخنده پی مادری محو جمالش از ثریا تا ثری

زاد روز جشن مادری از راه رسید که وجودش سراسر مبارکی است و او مادری است که همه موجودات از آسمان تا زمین محو جمال اش هستند. در روایات ماثور دامنه تأثیر این تولد به بلندای آسمانها کشیده شده است. از امام صادق(علیه السلام) منقول است که فرمود: «و بشر أهل السَّمَاوَاتِ بعضهم بعضا بولادة فاطمه علیها السلام، و حدث فی السَّمَاءِ نور زاهر لم تره الملائكة قبل ذلک، و قالت النسوة: خذیها یا خدیجة طاهره، مطهره، زکیه، میمونه، بورک لک فیها، و فی نسلها.» (صدوق، الامالی، ۵۹۵) یعنی: اهل آسمان ولادت او را به

یکدیگر تبریک می‌گفتند، و به واسطه تولد فاطمه در آسمان نیز نور خیره‌کننده‌ای ظاهر گردید که فرشتگان پیش از این نظیر آن را ندیده بودند. پس آن زنان به خدیجه گفتند: این مولود پاک و مبارک را بگیر که در خود او و نسل او برکت قرار داده شده است.

## نورالانوار بودن حضرت زهرا (سلام الله علیها)

۸- باز سر زد نور خورشید جمال احمدی از فروغ روی زهرا پرتو پیغمبری

شاعر در این بیت چهره پیامبر (صلی الله علیه و آله) را به خورشیدی تشبیه کرده و روشنی حضرت زهرا (سلام الله علیها) را پرتویی از نور وجود پیغمبری دانسته است.

استفاده از لقب «زهرا» با تعبیر فروغ برای نشان دادن یکی از هفت لقب ایشان است:

جابر از حضرت ابو عبد الله (علیه السلام) نقل می‌کند که به امام (علیه السلام) عرض کردم: برای چه فاطمه زهرا (سلام الله علیها) را زهراء نامیدند؟ حضرت فرمود: «زیرا خداوند عزوجل او را از نور عظمت خودش آفرید، و هنگامی که نور وجود فاطمه (سلام الله علیها) درخشید آسمانها و زمین به نورش روشن شده و دیدگان فرشتگان از شدت نورش بسته شد و تمام ملائکه حق تبارک و تعالی را سجده نموده و عرض کردند: اله و معبود ما، سرور و مولای ما، این نور چه خصوصیتی دارد که این قدر تابان و روشن است؟ خداوند متعال به آنها فرمود: این نور از نور من است که در آسمان ساکنش کرده‌ام آن را از عظمت خویش آفریدم، آن را از صلب پیغمبری از پیامبران که بر تمام انبیاء تفضیل و برتریش داده‌ام خارج نموده‌ام، از این نور پیشوایانی را که به امر من قیام می‌کنند و مردم را به طرف من هدایت می‌نمایند بیرون می‌آورم، این پیشوایان را پس از انقطاع وحی جانشینان خود در روی زمین قرار می‌دهم.» (صدوق، علل الشرائع، ۱/۱۷۸)

ابان بن تغلب می‌گوید: محضر امام صادق (علیه السلام) عرضه داشتم: ای فرزند رسول خدا برای چه حضرت زهراء (سلام الله علیها) به زهراء موسوم گردید؟ امام (علیه السلام) فرمود: زیرا زهراء (سلام الله علیها) در روز سه مرتبه با سه نور مختلف برای امیر المؤمنین (علیه السلام) می‌درخشید:

اول: هنگام نماز صبح که مردم در بسترشان بودند نور صورت آن حضرت می‌درخشید و سفیدی آن نور به اطاق‌های آنها در مدینه می‌تابید و دیوار اطاق و خانه‌های ایشان به نور سفیدی منور می‌شد، آنها تعجب می‌کردند و محضر رسول خدا (صلی الله علیه و آله) مشرف شده و راجع به آن چه دیده بودند از حضرت سؤال می‌نمودند؛ پیامبر (صلی الله علیه و آله) آنها را به منزل فاطمه (سلام الله علیها) می‌فرستاد، آنجا رفته می‌دیدند حضرتش در محراب نماز نشسته و نور از

محراب و صورت آن بانو ساطع است پس می‌فهمیدند نوری که دیده بودند از نور حضرت فاطمه (سلام الله علیها) می‌باشد.

دوم: نیم روز یعنی ظهر که می‌شد و حضرت زهرا (سلام الله علیها) خود را برای خواندن نماز ظهر آماده می‌کردند، نوری زرد رنگ از صورت آن حضرت می‌درخشید و زردی نور در اطاق‌ها و منزل‌های مردم می‌افتاد و بدین ترتیب لباسها و رنگشان زرد می‌گردید، به نبی اکرم (صلی الله علیه و آله) مراجعه کردند و از آن جناب راجع به آن چه دیده بودند پرسیدند، پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) ایشان را به منزل حضرت فاطمه (علیها السلام) فرستاده و وقتی به آنجا رفتند دیدند آن حضرت در محراب نماز ایستاده و نور صورتش با رنگ زرد تالو و درخشش دارد، می‌فهمیدند نوری که دیده‌اند، نور صورت آن بانو می‌باشد.

سوم: هنگامی که روز به آخر می‌رسید و خورشید غروب می‌کرد نور صورت آن حضرت به سرخی می‌گرایید؛ پس صورتش با رنگ سرخ می‌درخشید و این علامت فرح و نشانه شکرگزاری آن حضرت در مقابل خداوند عزوجل بود، سرخی نور آن حضرت داخل منازل مردم می‌شد و دیوار اتاق‌های آنها را سرخ می‌کرد، ایشان به شگفت آمده و محضر رسول خدا (صلی الله علیه و آله) می‌آمدند و سر آن را از آن حضرت سؤال می‌کردند، پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) ایشان را به منزل حضرت زهراء (سلام الله علیها) فرستاده آنها به آن منزل می‌رفتند و می‌دیدند که آن حضرت نشسته و خدا را تسبیح و تمجید می‌نماید و نور صورتش با رنگی قرمز می‌درخشد، دانستند نوری که دیده بودند از نور صورت فاطمه (علیها السلام) می‌باشد، پیوسته این نور در صورت آن حضرت بود تا وقتی که حضرت امام حسین (علیه السلام) متولد شد از این تاریخ این نور در صورت‌های ما ائمه پدید آمد و هر امامی که از دنیا می‌رود در صورت امام بعدی ظاهر می‌گردد تا روز قیامت». (همو، ۱/۱۷۹)

از جعفر بن محمد بن عماره، نقل است که از پدرش، نقل می‌کند: از حضرت ابی عبد الله علیه السلام پرسیدم: چرا حضرت فاطمه (علیها السلام) به زهراء نامیده شده است؟ حضرت فرمودند: زیرا وقتی آن حضرت در محراب می‌ایستادند نورش به اهل آسمان می‌تابید همان طوری که نور کواکب و ستارگان به اهل زمین می‌تابند. (همو، ۱/۱۸۰)

۹- فاطمه آن نور عقل کل که دین از او بپاست می‌کند با اخترانش تا ابد روشنگری

بعضی عرفا پیامبر (صلی الله علیه و آله) را عقل کل توصیف کرده‌اند، (نک: انصاریان، ۲۴۳) مبنای این نگرش روایتی منقول از حضرت صادق (علیه السلام) است: «... فأعطی الله محمداً صلی الله علیه و آله تسعه و تسعین جزءاً، ثم قسم بین العباد جزءاً واحداً» (برقی، ۱/۱۹۲) یعنی: خداوند صد جزء عقل خلق کرده است که نود و نه جزئش را به پیامبر (صلی الله علیه و آله) عنایت کرده است و یک جزء باقی مانده را به سایر بندگان تقسیم کرده است.

حضرت فاطمه (سلام الله علیها) نوری از وجود پیامبر است و چون امامت با فرزندان ایشان پس از امیرالمؤمنین (علیه السلام) تا برپایی رستاخیز ادامه می‌یابد، دین به واسطه ایشان پابرجاست و فرزندان ایشان به مانند ستاره‌هایی هستند که تا انتهای جهان باعث روشن‌گری اند.

این ابد از سویی اشاره به پایان دنیا دارد که حکومت جهانی امام عصر (علیه السلام) در عرصه گیتی گسترش میابد. امام صادق (علیه السلام) می فرماید: «ان قائمنا إذا قام أشرق الأرض بنور ربها، واستغنى الناس عن ضوء الشمس، و ذهب الظلمه و يعمر الرجل في ملكه حتى يولد له ألف ذكر لا يولد له فيهم أنثى.» (حویزی، ۳۴۵/۴) تنها در کتاب منتخب الاثر دویست و دو حدیث اشاره به این دارد که امام زمان (عجل الله تعالی فرجه) از فرزندان حضرت زهرا (سلام الله علیها) است. (نک: صافی گلپایگانی، ۱۴۶-۱۵۳)

از دیگر سو اشاره به جهان بعد از این دنیا دارد؛ در ذیل آیه «کل شی هالک الا وجهه» (القصص، ۸۸) اهل بیت (علیهم السلام) خود را از صفت هلاکت استثناء کرده اند. (نک: صفار، ۶۵/۱؛ صدوق، کمال الدین، ۲۳۱/۱)

## کفویت انحصاری

۱۰- جز علی هرگز نباشد همسری اندر جهان لایق فر جلالش گر به حکمت بنگری

اگر با حکمت و معرفت در این واقعه اندیشه کنیم به جز امیر المومنین (علیه السلام) کسی لایق و هم کفو مقام با شکوه فاطمه (سلام الله علیها) نیست. ازدواج حضرت زهرا (سلام الله علیها) موضوعی است که بیان کننده بسیاری از حقایق است. جایگاه ویژه او به عنوان دخت نبی مکرم، سبب شد همه مسلمانان علاقه مند این وصلت باشند، در منابع شیعه و اهل تسنن آمده است در برابر درخواستهای پیاپی صحابه، رسول خدا (صلی الله علیه و آله) انتخاب کفو ایشان را امری الهی معرفی کردند. حسین بن خالد از حضرت رضا (علیه السلام) و آن حضرت از پدران بزرگوار خود، و آنان از حضرت علی (علیه السلام) نقل کرده اند که: حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) به من فرمود: ای علی! بزرگانی از قریش در مورد ازدواج فاطمه با تو مرا سرزنش کردند و گفتند: ما او را از تو خواستگاری کردیم ولی او را به ما ندادی بلکه به عقد علی درآوردی، من هم به آنان گفتم: قسم به خدا من این کار را نکرده ام، خداوند او را به شما نداد و به عقد علی درآورد، جبرئیل بر من نازل گشت و گفت: ای محمد! خداوند می فرماید: اگر علی را خلق نکرده بودم، برای دختری فاطمه، در روی زمین، از آدم تا خاتم، کفو و همتایی نبود. (صدوق، عیون أخبار الرضا، ۴۵۸/۱) در منابع اهل تسنن نیز به برخی از درخواستهای صحابه و ترسیم الهی بودن موضوع توسط پیامبر (صلی الله علیه و آله) اشاره شده است. (نک: قندوزی، ۱۷۴/۵۵ و متقی هندی، ۹۹/۲)

## توصیف به دریا در قرآن

۱۱- هر دو بحری صاف و مواجند در ملک خلود درد مرجانش حسین و هم حسن در سروری

یکی از آیاتی که در شأن حضرت زهرا (سلام الله علیها) نازل شده است، آیه «مرج البحرين يلتقيان بينهما برزخ لا يبغيان يخرج منهما اللؤلؤ والمرجان» (الرحمان، ۱۹-۲۱) است. خداوند در این آیه می‌فرماید: دو دریای مختلف را در کنار هم قرار داد، در حالی که با هم تماس دارند؛ در میان آن دو برزخی است که یکی بر دیگری غلبه نمی‌کند.

ثعلبی از سفیان ثوری و سعید بن جبیر نقل کرده است: مقصود از دو دریا علی (علیه السلام) و فاطمه (سلام الله علیها) و برزخ پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) و لؤلؤ و مرجان که از آن دو بیرون می‌آید حسین و حسین (علیهما السلام) می‌باشند. (سبط ابن جوزی، ۲۴۵) مفهوم این روایت در سایر منابع اهل تسنن نیز به چشم می‌خورد. (نک: خوارزمی، ۱۱۲؛ سیوطی، ۱۴۵/۶، آلوسی، ۹۳/۲۷، قندوزی، ۱۱۸) در منابع حدیثی و تفسیری شیعه نیز این مفهوم با تأکید ویژه‌ای آمده است. (نک: قمی، ۳۴۵/۲؛ کوفی، ۴۵۹؛ صدوق، الخصال، ۶۵)

## معرفی سایر امامان

- |   |   |
|---|---|
| ۱۲- وانگهی سجّاد و باقر بحر علم سرمدی   | صادق آل محمد (صلی الله علیه و آله) جلوه‌گاه باوری |
| ۱۳- موسی کاظم نگر و کاظمین را یاد کن    | گر که خواهی تا شوی از کاظمین در این سری           |
| ۱۴- از رضا برگو که خشنودی ایزد با رضاست | با رضا باشی اگر بر سدره اعلی پری                  |
| ۱۵- آخرین حال و مقام و آخرین حدّ کمال   | با رضا باشد رضا را جوی گردانشوری                  |

در بیت دوازدهم امام سجّاد (علیه السلام) و امام باقر (علیه السلام) را به جهت علوم فراوان به عنوان سر آمد آن دریای علم معرفی کرده و در مصرع بعد از این جهت امام صادق (علیه السلام) را جلوه‌گاه باوری گفته که ایشان رئیس مذهب جعفری هستند و ماندگاری باور ناب تشیع به ایشان مرتبط است. در بیت سیزدهم، شاعر می‌گوید: امام کاظم (علیه السلام) و کاظمین را فراموش نکن، اگر که می‌خواهی از جمله کسانی باشی که خشم خود را فرو می‌برند. اشاره به این آیه دارد: «الذین ینفقون فی السراء و الضراء و الکاظمین الغیظ و العافین عن الناس و الله یحبّ المحسنین» (آل عمران، ۱۳۴) یعنی: کسانی که در فراخی و

تنگی انفاث می‌کنند و خشم خود را فرو می‌برند و از مردم در می‌گذرند و خداوند نیکو کاران را دوست دارد. دو بیت چهاردهم و پانزدهم موقوف المعانی هستند. رضایت خدا در رضایت امام هشتم است پس اگر پیرو ایشان باشی می‌توانی تا اوج بهشت پرواز کنی. در سدره المنتهی، بهشتی است که جایگاه متقیان است. (صدق، عِلل الشرایع، ۱. ۲۷۸) « و لقد راه نزله اخری عند سدره المنتهی عندها جنه الماوی » (النجم، ۱۳-۱۵)

۱۶- با تقی تا ملک تقوی کن سفر در عمر خویش      گر که عمر خویش را خواهی به تقوی بسپری  
 ۱۷- با نقی در پاکی جان و روان یکسر بکوش      ز آن که هر کس با نقی شد می‌شود هم‌چون پری  
 ۱۸- عسکری را لشکری از دانش و تقوی نگر      کز ملک زوج فلک او راست فوج لشگری

در بیت شانزدهم: تقی و تقوی با هم جناس دارند. هر دو کلمه از ریشه هم و به معنی پرهیزکاری هستند استاد می‌گوید: اگر می‌خواهی عمر خود را به پرهیزگاری بسپاری با امام نهم تا سرزمین پرهیزکاری هم سفر شو و ایشان را راهنما و الگوی خود قرار بده. در بیت بعد، وی برای کوشش و رسیدن به روح و روان پاک، قرار گرفتن در مسیر امام دهم را توصیه می‌کند، چرا که اگر با ایشان باشی مانند فرشتگان پاک و بی‌گناه خواهی بود. شاعر پاکی را به فرشتگان تشبیه کرده است. در بیت هجدهم، کلمه عسگر به معنی لشگر است. به امام یازدهم نگاه کن که لشگری از علم و پرهیزگاری است که فوج لشکر فرشتگان در خدمت او هستند.

### امام دوازدهم از نسل حضرت فاطمه (سلام الله علیها)

۱۹- هادی ملک ولایت رهبر هر دو جهان      هادی و مهدی عالم نور و پور عسکری  
 ۲۰- آخرین فرد از امامان هدایت در جهان      پرتو خورشید زهرا آفتاب خاوری

امروز، هدایت‌کننده سرزمین ولایت و رهبر هر دو جهان، راهنمای انسان به نور و روشنی، پسر امام عسگری (علیه السلام) است که آخرین امام هدایت در جهان است که ایشان پرتویی از خورشید وجود فاطمی است و نور این پرتو به قدری زیاد است که شرق و غرب عالم را روشن کرده است. این بیت تأکیدی بر بیت نهم است که در آن نیز حضرت مهدی (علیه السلام) به عنوان فرزند حضرت زهرا (سلام الله علیها) معرفی شده است.

یکی از ویژگی‌های حضرت بقیه الله (عجل الله فرجه) نسبت به سایر امامان این است که قرآن و حدیث در معرفی وی به عنوان مصلح جهانی اهتمام ویژه‌ای دارند؛ دلیل این کوشش نشان دادن را اصلی و تشخیص سره از ناسره است چه این که مدعیان دروغین مهدویت از همان عصر پیامبر (صلی الله علیه و آله) در جامعه دیده شده‌اند. (نک: پوراسماعیل، آینده بشریت...، ۱۳۵)

همه امامان اهل بیت (علیهم السلام) ویژگی روشنائی تاریکی‌های زمین و زمینیان را دارند. در زیارت جامعه آمده است. «و اشرفت الارض بنورکم» (صدوق، الفقیه، ۶۱۶/۲ و طوسی، تهذیب الاحکام، ۱۰۰/۶) اما در این میان به دلیل برنامه جهانی حکومت امام عصر (علیه السلام) این پرتو افشانی تبلوری دیگر دارد.

بسیاری از روایات مهدویت با این تعبیر شروع می‌شود: «إِنَّ قَائِمَنَا إِذَا قَامَ أَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رِبْعِهَا» (نک: طوسی، الغیبه، ۴۶۸، فتال نیشابوری، ۲/۲۶۴) که نشان از اهمیت این موضوع و جایگاه حقیقی تحقق این آیه دارد که در مجالی دیگر قابل بررسی است.

- ۲۱- در مدیح فاطمه و اولاد امجد علی  
اختران آسمان دانش رزم آوری  
۲۲- گفت محمود این قصیده ناب چون نقد ثمین  
سُفت انوار ادب درهای اشعار دری  
۲۳- آری، آری هست زهرا بحر گوهرهای ناب  
دُر چه ارزد پیش بحری کو کند گوهر گری؟

در سه بیت پایانی منظور و هدف شاعر از سرودن این قصیده بیان شده است، این که او با تشبیهات- اش، زبان را در برابر مقام حضرت زهرا (سلام الله علیها) قاصر می‌داند. شاعر می‌گوید: این قصیده ناب را که مانند طلایی ارزشمند و ذرات نورانی در حال ریختن است، به زبان فارسی دری سرود. سپس شاعر ۲ بار تاکید می‌کند آری، آری، زهرادرای گوهرهای ناب است و در (یعنی مروارید سخن من) در پیشگاه این دریای پر گوهر نمی‌ارزد. نقد ثمین: اضافه ای تشبیهی است و دُر: استعاره از شعر شاعر است.

## نتیجه گیری

- ۱- مادر، دارای جایگاهی ویژه در نزد استاد امیر محمود انوار است که می‌تواند بسیاری از تحولات اجتماعی را رقم بزند، وی مادر را به مرواریدی پاک و بی غش و آفتابی که از مشرق طلوع می‌کند تشبیه کرده است. مادر برای فرزند به مانند یآوری است که از کودکی با مهربانی او را در دامان خود می‌پروراند.
- ۲- استفاده از آیات و روایات فراوان در «قصیده فاطمیه» از شاخصه‌های شعر استاد امیر محمود انوار است هم در تبیین جایگاه مادر و هم در تبیین جایگاه حضرت زهرا (سلام الله علیها) است.
- ۳- معرفی چهارده معصوم و بیان ویژگی‌های آنان به عنوان راهنمایان بشر در طریق معرفت نشان از وامدار بودن شعر شاعر به اهل بیت (علیهم السلام) است.
- ۴- موضوع نورانیت حضرت زهرا (سلام الله علیها) در میان سایر فضائل ایشان، نظر استاد شاعر را به خود جذب کرده است، نوری که درخشش آسمان و زمین از آن اوست، چرا که حضرت زهرا (سلام الله علیها) از نور عظمت خداوند خلق شده است، و نور امامان از نور وی خلق شده است. همچنین نور ایشان در روز سه مرتبه با سه نور مختلف برای امیر المؤمنین (علیه السلام) می‌درخشید.

- ۵- در منابع مأثور شیعه و اهل تسنن ازدواج حضرت زهرا(سلام الله علیها) همانند موضوع جانشینی پیامبر(صلی الله علیه و آله) امر الاهی تبیین شده است.
- ۶- این که آخرین فرزند حضرت زهرا(سلام الله علیها) امام هدایت برای کل بشریت است از موضوعاتی است که استاد انوار بدان پرداخته است.
- ۷- شرافت مناقب این بانو به قدری سترگ است که هیچ کس را یارای سرودن شعری برای او نیست.

## کتاب‌شناسی

- ۱- قرآن مجید
- ۲- ابن جوزی، سبط، تذکره الخواص، بیروت، مؤسسه اهل البیت(علیهم السلام)، بی تا.
- ۳- انصاریان، حسین، عقل کلید گنج سعادت، قم، مرکز تحقیقات دارالعرفان، ۱۳۸۷ ش.
- ۴- انوار، سید امیر محمود، انوار عشق، به اهتمام: دکتر سید امیر علی انوار، سید امیرحسین انوار، مرتضی کاظم شیرودی، تهران، انتشارات باز، ۱۳۹۱ ش.
- ۵- آلوسی، شهاب الدین سید محمود، روح المعانی، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۸ ق.
- ۶- برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، به تصحیح: جلال الدین محدث، قم، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱ ق.
- ۷- پوراسماعیل، احسان، آینده بشریت از دیدگاه قرآن و عهد جدید، (پایان نامه کارشناسی ارشد)، تهران، واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی، ۱۳۸۵ ش.
- ۸- همو، تخصیص عمومیت واژه‌ی «العالمین» در برگزیدگی حضرت مریم «سلام الله علیها»، مجله «بانوان شیعه»، شماره‌ی ۲۴، تابستان ۱۳۸۹ ش.
- ۹- جوادی آملی، عبدالله، مفاتیح الحیاه، تحقیق: محمد حسین فلاح زاده و دیگران، قم، اسراء، ۱۳۹۱ ش.
- ۱۰- حرّانی، ابن شعبه حسن بن علی، تحف العقول عن آل الرسول صلی الله علیه و آله، محقق: علی اکبر غفاری، قم، جامعه‌ی مدرسین، ۱۴۰۴ ق. ۱۳۶۳ ش.
- ۱۱- حویزی، عبدعلی جمعه، تفسیر نورالثقلین، محقق: هاشم رسولی محلاتی، قم، نشر اسماعیلیان، ۱۴۱۵ ق.
- ۱۲- خوارزمی، ابوالمؤید موفق بن احمد، مقتل الحسین علیه السلام، قم، مکتبه المفید، بی تا.
- ۱۳- سیوطی، جلال الدین، الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، قم، مکتبه المرعشی، بی تا.
- ۱۴- شعیری، محمد بن محمد بن حیدر، جامع الاخبار، قم، شریف رضی، ۱۳۶۳ ش.
- ۱۵- صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر علیه السلام، بی جا، سلمان فارسی، ۱۴۲۲ ق.
- ۱۶- صدوق، محمد بن علی بن بابویه، الامالی، ترجمه: آیت الله کمره‌ای، تهران، کتابخانه اسلامی، ۱۳۶۲ ش.
- ۱۷- همو، علل الشرایع، قم، کتاب فروشی داوری، ۱۳۸۵ ش.

- ۱۸- همو، کمال الدین و تمام النعمه، تصحیح: علی اکبر غفاری، تهران، اسلامیه، ۱۳۹۵ق.
- ۱۹- همو، النخصال، تصحیح: علی اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین، ۱۳۶۲ش.
- ۲۰- همو، من لا یحضره الفقیه، تصحیح: علی اکبر غفاری، قم، انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه ۱۴۱۳ ق.
- ۲۱- صفار، محمدبن حسن، بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد، محقق: محسن بن عباسعلی کوچه باغی، قم، مکتبه آیه الله المرعشی النجفی، ۱۴۰۴ق.
- ۲۲- طوسی، محمد بن الحسن، الامالی، قم، دارالثقافه، ۱۴۱۴ق.
- ۲۳- همو، تهذیب الاحکام، تحقیق: حسن الموسوی خرسان، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ق.
- ۲۴- همو، الغیبه، مصحح: عبادالله تهرانی و علی احمد ناصح، قم، دارالمعارف الاسلامیه، ۱۴۱۱ق.
- ۲۵- فتال نیشابوری، محمدبن احمد، روضة الواعظین و بصیرة المتعظین، قم، انتشارات رضی، ۱۳۷۵ش.
- ۲۶- قزوینی، ملاخلیل بن غازی، صافی در شرح کافی، محقق: محمد حسین درایتی و حمید احمدی جلفایبی، قم، دارالحدیث، ۱۴۲۹ق.
- ۲۷- قمی، علی بن ابراهیم، تفسیرالقمی، محقق: طیب موسوی جزائری، قم، دار کتاب، ۱۴۰۴ق.
- ۲۸- قندوزی حنفی، سلیمان بن ابراهیم، ینایع الموده، قم، مکتبه بصیرتی، بی تا.
- ۲۹- کلینی، محمدبن یعقوب بن اسحاق، الکافی، مصحح: علی اکبر غفاری، محمد آخوندی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ق.
- ۳۰- کوفی، فرات بن ابراهیم، التفسیر، محقق: محمد کاظم، تهران، مؤسسه الطبع و النشر فی وزارة الارشاد الاسلامی، ۱۴۱۰ق.
- ۳۱- متقی هندی، علاء الدین علی بن حسام، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، ۱۴۰۵ق.
- ۳۲- مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
- ۳۳- مفید، محمدبن محمد، الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، محقق: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، قم، کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ق.
- ۳۴- همو، الامالی، قم، کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ق.
- ۳۵- همو، الفصول المختاره، محقق: صادق حسن زاده و علی اکبر زمانی نژاد، قم، انتشارات مؤمنین، ۱۳۷۷ش.
- ۳۶- نوری، حسین بن محمد تقی، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۴۰۸ ق.
- ۳۷- هلالی، سلیم بن قیس، کتاب سلیم بن قیس الیهلالی، محقق: محمد انصاری زنجانی خوئینی، قم، الهادی ۱۴۰۵ ق.